# اما بعد؛ به الله سوگند، من از این اموال به برخی از مردم می دهم و به برخی هم نمی دهم؛ اما نزد من کسانی که سهمی به آنها نداده ام، از کسانی که سهمی به آنها داده ام، محبوب ترند.

از عمرو بن تَغلب رضی الله عنه روایت است که می گوید: مقداری غنیمت یا تعدادی اسیر نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آوردند که آنها را تقسیم نمود؛ از این مال به برخی از مردم داد و به بعضی هم نداد. پس از اندکی به ایشان خبر رسید آنان که سهمی نبرده اند، ناراحت اند و گلایه دارند. لذا رسول الله صلی الله علیه وسلم حمد و ثنای الله گفت و فرمود: «أَمَا بَعد، فَوَاللَّه إِنِّي لأُعْطِي الرَّجُلَ وَأَدَعُ الرَّجُل، والَّذِي أَدَعُ أَحَبُّ إِليَّ مِنَ الَّذِي أُعْطِي، وَلكِنِّي إِنَّمَا أُعْطِي أقوَامًا لِما أَرى في قُلُوبِهِمْ مِن الجَزَعِ والهَلَع، وَأَكِلُ أَقْوامًا إِلى ما جعَلَ اللَّه في قُلُوبِهِمْ مِنَ الغِنَي والخَيْر، مِنْهُمْ عَمْروُ بنُ تَغلِبَ»: «اما بعد؛ به الله سوگند، من از این اموال به برخی از مردم می دهم و به برخی هم نمی دهم؛ اما نزد من کسانی که سهمی به آنها نداده ام، از کسانی که سهمی به آنها داده ام محبوب ترند؛ زیرا من - این اموال را - به کسانی می دهم که در قلوب شان حرص و طمع وجود دارد و برخی دیگر را به بی نیازی و خیری می سپارم که الله متعال در قلوب شان گذاشته است که عمرو بن تغلب یکی از آنهاست». عمرو بن تغلب رضی الله عنه می گوید: به الله سوگند دوست ندارم این سخن رسول الله صلی الله علیه وسلم را با شتران سرخ مو عوض کنم.

[صحیح است] [به روایت بخاری]

عمرو بن تغلب رضی الله عنه روایت می کند که مقداری غنیمت یا تعدادی اسیر نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آوردند. این غنایم از دشمن و در جنگ گرفته شده بود و اسیران شامل بردگان و کنیزان بودند. رسول الله صلی الله علیه وسلم آنها را تقسیم می کند و به برخی از مردم می دهد و به برخی دیگر سهمی نمی دهد. به برخی می دهد تا قلب های آنها را به دست آورد و به برخی نمی دهد چون به آنان اطمینان دارد و از قوت ایمان و یقین شان آگاه است. پس از تقسیم به ایشان خبر می رسد: عده ای از آنان که سهمی دریافت نکرده اند، ناراحت شدند و گلایه دارند، چون گمان می کردند از این جهت رسول الله صلی الله علیه وسلم به آن عده سهمی داده که مزیتی در دین دارند. این بود که رسول الله صلی الله علیه وسلم همه ی آنها را جمع کرد و به ایراد خطبه پرداخت و پس از حمد و ستایش الله متعال فرمود: «اما بعد؛ به الله سوگند، من از این اموال به برخی از مردم می دهم و به برخی هم نمی دهم؛ اما نزد من کسانی که سهمی به آنها نداده ام، از کسانی که سهمی به آنها داده ام محبوب ترند». و این بدان معنا نیست که هرکس سهمی دریافت نکرده را دوست دارم و آنان که سهمی دریافت کرده اند دوست ندارم؛ بلکه به این معناست: کسانی را که فراخواندم و چیزی به آنها ندادم، بیشتر از کسانی دوست دارم که به آنها سهمی از غنایم و اسیران دادم. سپس دلیل اینکه به برخی سهمی داده و به برخی چیزی نداده است، بیان نموده و می فرماید: «من - این اموال را - به کسانی می دهم که در قلوب شان حرص و طمع وجود دارد». یعنی به آنها که سهمی دادم، از این جهت بوده که اگر چیزی از غنیمت به آنها داده نمی شد، بسیار آزرده می شدند، بنابراین سهمی برای آنها در نظر گرفتم تا قلب های شان را به دست آورده و رضایت خاطر داشته باشند. و در ادامه می فرماید: «و برخی دیگر را به بی نیازی و خیری می سپارم که الله متعال در قلوب شان گذاشته است». یعنی: و به عده ای چیزی ندادم چون آنها را به قناعت و بی نیازی و قوت ایمان و یقینی سپردم که الله متعال در قلب شان قرار داده است که عمرو بن تغلب از جمله ی آنهاست. یعنی از کسانی است که به آنها چیزی ندادم چون به ایمان شان اطمینان داشتم. و در حدیث دیگری آمده است: «إِنِّي لأُعْطِي الرَّجُلَ وَغَيْرُهُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْهُ، خَشْيَةَ أَنْ يَكُبَّ فِي النَّارِ عَلَى وَجْهِهِ»: «من به کسانی مال می دهم حال آنکه دیگران از آنان نزد من محبوب تر هستند. چون می ترسم [با برگشتن از اسلام] با صورت به آتش دوزخ انداخته شوند». به روایت مسلم. وقتی عمرو رضی الله عنه شنید که

رسول الله صلی الله علیه وسلم از او تعریف می کند گفت: به الله سوگند دوست ندارم این سخن رسول الله صلی الله علیه وسلم را با شتران سرخ مو عوض کنم. یعنی به الله سوگند یاد می کنم که این ستایش رسول الله صلی الله علیه وسلم را که با آن مرا گرامی داشته، با هیچ چیزی عوض نمی کنم هرچند شتر سرخ مو که نفیس ترین و گرانبهاترین اموال عرب هست، به من داده شود.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/3729